

تورّقی در فرهنگ ۸ جلدی سخن

علی خزاعی فر

یک دوره فرهنگ ۸ جلدی سخن را به همکاری که از سفر حج آمده بود به رسم هدیه تقدیم کردیم، زیرا ارزشمندتر از این هدیه در بازار نیافتیم. در مدت کوتاهی که فرهنگ در اختیارم بود، جلد اول آن را تورّقی کردم. لمس کتاب حسّی از احترام، تحسین و شگفتی در من برانگیخت. کتاب، کاری بود تمام شده، هنری عرضه شده، خدمتی انجام شده، دیکته‌ای نوشته شده، حاصل سالها رنج و زحمت نه یک فرد بلکه یک گروه. از فرصت استفاده کرده و سپاس خاضعانه خود را به کلیه کسانی که در تهیه این گنج بزرگ زبان فارسی رنج بسیار برده‌اند نثار می‌کنم، از سرپرست و ناشر و مشاوران گرفته تا ویراستاران و مؤلفان و نمونه‌خوانان و مسؤولان بازبینی و مسؤولان امور فنی و همکاران مقطعی. امیدوارم اهل نظر این فرهنگ عزیز را که متعلّق به همه مردم ایران است به دقت بخوانند و مؤلف و ناشر را از نظریات اصلاحی خود بی‌بهره نگذارند تا انشاءالله در چاپهای بعدی اگر نقصی هست برطرف شود.

وقتی در برابر کاری چنین عظیم و زحمتی چنین شاق قرار می‌گیرم، دست‌ودلم می‌لرزد. آیا انتقاد کردن نشانه فضل‌فروشی و قدرناشناسی نیست؟ گیرم در کنار این همه امتیاز، چند فقره خطا هم رفته باشد. وانگهی، نقد ممکن است کاری غیرمنصفانه تلقی شود زیرا نقد، نگرستن به اثر از منظری آرمانی است حال آنکه، در این مورد به خصوص، ناشری خصوصاً (آیا واقعاً وظیفه ناشرین خصوصی است که در طرحهای فرهنگی - ملی نظیر تألیف فرهنگ لغت جامع سرمایه‌گذاری کنند یا وظیفه دولت؟) با سرمایه‌ای معین و با استفاده از ابزاری محدود و به کارگیری جمعی که می‌شناخته، و بیشتر به اتکاء عشقی که داشته، به چنین کاری اقدام کرده است. با این حال چاره چیست؟ تعریف و تمجید کردن از توطئه سکوت هم بدتر است. اگر فرهنگ‌ها را به درستی نقد کنیم، هم از تکرار فرهنگ‌ها، و هم از تکرار خطاها در فرهنگ‌ها جلوگیری می‌شود. امید می‌رود طرح مسأله بحث در باب فرهنگ سخن را بگشاید و به تبادل سازنده آراء منجر شود. در تورّق اجمالی جلد اول، نکاتی کلی به نظرم رسید که آنها را با ذکر نمونه به اجمال توضیح می‌دهم. نقد مبسوط‌تر و نیز شرح امتیازات فرهنگ بماند برای وقت دیگر.

بی‌تردید اولین نکته که برای ناشر یا مؤلف فرهنگ مطرح است تعیین دقیق مخاطب و گستره فرهنگ است. با تعیین دقیق مخاطب و گستره فرهنگ، میزان کارآمد بودن فرهنگ نیز افزایش می‌یابد. در تعریف گستره و مخاطب فرهنگ، سرویراستار در مقدمه چنین گفته است: "در این فرهنگ ما خواسته‌ایم به نیاز طبقه متوسط کتاب‌خوان و مراجعان فارسی‌زبان پاسخ گوئیم؛ هم نیازهای آنان را که در متون و در

گفتارهای روزمره به واژه‌های ناآشنا برمی‌خورند و هم‌نیاز آنان را که متون کهن را در مطالعه می‌گیرند برآورده کنیم". در جایی دیگر از مقدمه می‌خوانیم: "فرهنگ‌نویسی که می‌خواهد فرهنگ جامع‌بنگار ناگزیر است از اینکه از واژگان محمدبن و صیف سگزی و ابوشکور بلخی گرفته تا واژگان جمی میرصادقی و صادق هدایت را موضوع کار خود بداند و چنین است که در فرهنگ ما، این عناصر زبانی یک هزار و صد سال پیش تا امروز در کنار هم قرار گرفته‌اند."

چنانکه از دو قول فوق برمی‌آید، مخاطب فرهنگ سخن هم طبقه متوسط کتابخوان را شامل می‌شود هم ادیب محقق را. و نیز زبانی که در فرهنگ سخن به ثبت رسیده، هم زبان فارسی قدیم است هم فارسی جدید. در فرهنگ‌نویسی امروزی، این مخاطب عام و این گستره زبانی امتیاز به حساب نمی‌آید. ما برای ثبت فارسی قدیم نیاز به یک فرهنگ تاریخی زبان فارسی داریم، همچنانکه برای فارسی قدیم دستور زبان تاریخی داریم. در چنین فرهنگهایی می‌توان با فراغت نه فقط واژگان قدیمی بلکه بسیاری از اطلاعات مربوط به آنها از جمله ریشه آنها و نیز تحولات معنایی، آوایی، نوشتاری و کاربردی آنها را نیز ثبت کرد. فرهنگ‌نویس، "ناگزیر" نیست که برای نوشتن فرهنگی "جامع"، واژگان یک هزار و صد سال پیش را در فرهنگ خود گرد آورد. آنچه فرهنگ‌نویس ناگزیر از انجام آن است این است که، همچون زبان‌شناسان، بین دو نوع بررسی زبان، یعنی در زمانی و همزمانی، تفکیک قایل شود و زبان معاصر را از زبان قدیمی جدا کند، زیرا اگرچه زبان طیفی پیوسته است و هر نوع تقسیم آن امری اعتباری است و نه ذاتی، اما برای مقاصد تحقیقی و نیز برای ثبت واژگان، چاره‌ای جز این نداریم و گرنه باید از فرهنگ‌نگار بپرسیم که چرا فقط واژگان یک هزار و صد سال اخیر را گرد آورده‌اید. آیا فرهنگ جامع‌تر نمی‌بود اگر واژگان فارسی باستان را نیز می‌گنجاندیم؟ بدین ترتیب، فرهنگ سخن نه مثل فرهنگ دهخدا فرهنگی کاملاً تاریخی است و نه فرهنگی کاملاً امروزی. جمع بین این دو است با مخاطبی عام و خاص. از توزق اجمالی جلد اول چنین به نظر می‌رسد که در این فرهنگ حق فارسی قدیم کاملاً گذاشته نشده.

نکته بعدی در مورد جملات مثال یا شاهدهاست. اکثر مدخلها حداقل یک جمله مثال یا شاهد دارند. شاهد، چنانکه در مقدمه فرهنگ آمده، جمله، عبارت یا ترکیبی است که از منابع مکتوب استخراج شده و مأخذ آن نیز ذکر شده است؛ و مثال، جمله، عبارت یا ترکیبی است که بر مبنای شَم زبانی مؤلفان یا ویراستاران فرهنگ ساخته شده یا از شنیده‌ها و خواننده‌ها به دست آمده است. نقل شاهد، سنتی است که در فرهنگهای فارسی از دیرباز متداول بوده، هرچند که در فرهنگ دهخدا به افراط کشانده شده است. این سنت در فرهنگهای تاریخی هر زبان هنوز هم تداوم دارد. هدف از نقل شاهد، به طوری که از لفظ شاهد برمی‌آید، قبل از هر چیز اثبات یا نشان دادن این نکته است که کلمه مورد نظر در گذشته به کار رفته است. حال آنکه هدف مثال آن است که کاربرد کلمه را نشان بدهد. اگر نوع فرهنگ تعیین شده و اهداف آن با دقت بیشتری مشخص شود، جایگاه شاهد و مثال هم در فرهنگ روشن می‌شود. اگر فرهنگ سخن را فرهنگی امروزی و نه تاریخی، و فرهنگی آموزشی بدانیم، در این صورت بسیاری از شاهدهایی که در

این فرهنگ آمده، شاید اساساً قابل حذف باشند چون جنبه کاربردی یا معنایی خاصی را نشان نمی دهند:

آب انگور (قد). (مجاز) شراب: ماه آبان چو آب جوی بیست/ آب انگور باید اندر دست. (مسعود سعد ۹۴۲)
آبان ābān (ا). (گاه شماری) ۱. ماه هشتم از سال شمسی، پس از مهر و پیش از آذر، دارای سی روز: آبان دومین ماه پاییز است. ۰ ماه آبان چو آب جوی بیست/ آب انگور باید اندر دست. (مسعود سعد ۹۴۲). ۲. (قد). روز دهم از هر ماه شمسی در ایران قدیم: آبان روز است و روز آبان/ خرم گردان به آب رز جان. (مسعود سعد ۹۴۷)

در این فرهنگ شاهد بر مثال ترجیح داده شده است و لو آنکه شاهد از متنی قدیمی برگرفته شده باشد و در آن کلمات دشوارتر از مدخل وجود داشته باشد. آیا هدف نشان دادن اصالت کلمه بوده است یا کاربرد امروزی آن؟

استمهال estemhāl [عر]. (مص). مهلت خواستن: استمهال برای پرداخت بدهی ها. ۰ مجال استمهال بر تو... تنگ گرداند. (روایینی ۶۷۹) استمهال کردن (نمودن) (مص. ل). استمهال: اهالی... تا وصول موکب جهان گشا به اصفهان و استیصال جعفرخان استمهال نموده... (شیرازی ۵۰)

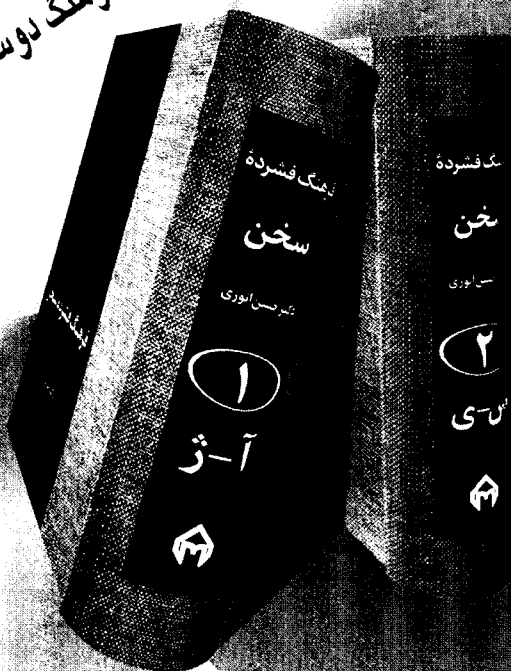
نکته آخری که به نظر می رسد، افزودن ترکیبات کنایی و استعاری به فرهنگ است. این ترکیبات طبعاً باید در فرهنگی خاص ثبت شود. نباید فراموش کرد که زبان و ادبیات دو مقوله مستقل هستند. ادبیات فقط یکی از انواع کاربردهای زبان است چنانکه متن علمی نیز یکی دیگر از کاربردهای زبان است. از دید کسی که درباره زبان تحقیق می کند یا زبان را ثبت می کند، ادبیات حرمت یا قداست خاصی ندارد. تنها فایده آن این است که کاربرد زبان یعنی قابلیت های بسط یافته و فعلیت یافته زبان را نشان می دهد. دلبستگی به ادبیات و خلط آن با زبان، هم در شیوه فرهنگ نویسی سنتی ما اثر گذاشته و هم در آموزش زبان فارسی، چنانکه در دبیرستانها و دانشگاهها نیز، لاقلاً تا گذشته ای نه چندان دور، آموزش زبان فارسی به آموزش ادبیات فارسی تبدیل شده بود. در این فرهنگ، ترکیبات بدیع نویسندگان و شاعران گذشته با عنوان [مجاز] در فرهنگ وارد شده و بین دو نوع استعاره زنده و مرده تمایز ایجاد نشده است. استعاره مرده به حوزه عمومی زبان تعلق دارد و در نتیجه در فرهنگ ثبت می شود اما برخی از ترکیباتی را که نویسنده در فرهنگ وارد کرده، استعاره هایی هستند که نویسنده یا شاعری خاص یا حتی نویسندگان یا شاعران متعدد آنها را به کار برده ولی تداول عام نیافته است و در نتیجه چون به حوزه عمومی زبان راه نیافته نمی توان آنها را در فرهنگ ثبت کرد. تعدادی از این اقلام که با آب ساخته شده اند به قرار زیر است: آب آتش رنگ، آب آتش فام، آب آتش گون، آب آتش مزاج، آب آتشین، آب از چشم کسی دویدن، آب چشم دوانیدن، آب حیوان اسکندری، آب خرابات، آب در جوی کسی راندن. مقایسه کنید موارد فوق را با مواردی مثل آب از آب تکان نخوردن، آب از لب و لوجه کسی سرازیر شدن، آب از دست کسی نچکیدن، آب از سرچشمه گل آلود بودن و الی آخر. این موارد همچنانکه مؤلف مشخص کرده مجاز هستند اما این مجازها تداول یافته و جزیی از پیکره زبان فارسی شده اند. انشاء الله در آینده فرصتی باشد تا فرهنگ سخن را به تفصیل بررسی کرده و نقاط قوت فرهنگ را به پیش چشم اهل نظر بیاوریم.

منتشر شد

فرهنگ فشرده سخن

فارسی به فارسی
به سرپرستی
دکتر حسن انوری

فرهنگ سخن
کتابی است که در خانه هر ایرانی
فرهنگ دوست یافت می شود.



فرهنگ فشرده سخن یا همگاری بیشتر یکصد تن از شاعران، مؤلفان، ویراستاران، تصویرگران، مترجمان و جز آنها) با تلاش شبانه روزی فراهم گردیده است.
فرهنگ فشرده سخن حاوی بیش از ۳۵۰۰۰ سرواژه اصلی (مدخل اصلی) و ۲۲۵۰۰ سرواژه فرعی (مدخل فرعی) است.
فرهنگ فشرده سخن شامل مجموعه های به کار رفته در زبان فارسی قدیم و جدید است که از ۳۵۰ اثر و از آثار هفتاد نویسنده و شاعر استخراج شده است. از آن میان ۲۷۰ اثر مکتوب از قدا و ۱۸۳ اثر داستانی و غیر داستانی از معاصران مبنای کار بوده است.
فرهنگ فشرده سخن، به وسیله متخصصان رشته های گوناگون علمی نوشته شده و اصطلاحات هر رشته را، متخصص آن رشته نوشته است.

مرکز پخش: انتشارات سخن، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۵۸
تلفن: ۶۴۶۵۹۷۰، ۶۴۶۰۶۶۷، ۶۴۹۵۲۶۰